



Research article

Research in Comparative Literature (Arabic and Persian Literature)

Razi University, Vol. 9, Issue 4 (36), Winter 2020, pp. 123-143

Study of Literariness of Style of Poetic Collections “Ghalat Li al Samra”, Nizar Qabbani and “Rastakhiz” Simin Behbahani due to Busemannequation

Zohreh Naemi¹

Assistant Professor of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Human Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran

Leyla Torabi Hoor²

M.A graduate of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Human Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran

Received: 10/22/2017

Accepted: 01/19/2020

Abstract

Statistical stylistics is one of the most important branches of statistical stylistics which has been recently taken seriously. The statistical stylistics determines literacy of given piece of work, in terms of mathematics and statistics. Busemann equation is one of the researches which has been considered in statistical stylistics. Busemann equation is an emotion measure which determines literacies of given piece of work. In current paper, Simin Behbahani and Nizar Qabbani are respectively Iranian and Syrian poets who are being studied with analytical- statistical methods and stylistics approaches. The main point of the paper is studying their literacy of their styles. Results showed that Simimin Behbahani's style enjoys more literacy than Qabbani. This is mainly because of feminine emotions of Behbahani which leads to more literacy. Furthermore, the internal and environmental factors were influential.

Keywords: Comparative Literature, Arabic and Persian Contemporary Poem, Statistical Stylistics, Busemann Equation, Nizar Qabbani, SiminBehbahani.

1. Corresponding Author's Email:

naemi.zohreh@khu.ac.ir

2. Email:

Leyla_70t@yahoo.com



کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی (مطالعات تطبیقی عربی - فارسی)
دانشگاه رازی، دوره نهم، شماره ۴ (پیاپی ۳۶)، زمستان ۱۳۹۸، صص. ۱۲۳-۱۴۳

بررسی ادبیّت سبک مجموعه شعری «قالت لی السّمراء» نزار قبانی و «رستاخیز» سیمین بهبهانی بر اساس معادله بوزیمان

زهرة ناعمی^۱

استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

لیلا ترابی حور^۲

کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۲۹

دریافت: ۱۳۹۶/۷/۳۰

چکیده

یکی از مهم‌ترین شاخه‌های سبک‌شناسی، سبک‌شناسی آماری است که به تازگی مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. سبک‌شناسی آماری به زبان ریاضی و آمار، ادبیّت یک اثر را مشخص می‌کند، معادله بوزیمان از جمله پژوهش‌هایی است که در حوزه سبک‌شناسی آماری مورد توجه قرار می‌گیرد. معادله بوزیمان، معادله‌ای عاطفه‌سنج است که میزان ادبیّت اثر را تعیین می‌کند. هدف نوشتار پیش رو، بررسی ادبیّت سبک دو شاعر معاصر سوریه و ایران، نزار قبانی و سیمین بهبهانی در دو مجموعه «قالت لی السّمراء» و «رستاخیز» است؛ گفتنی است پژوهش حاضر با روش تحلیلی - آماری و با رویکرد سبک‌شناسانه مورد پژوهش قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که سبک سیمین بهبهانی نسبت به سبک نزار قبانی از ادبیّت بیشتری برخوردار است. دلیل این امر را می‌توان افزون بر عامل جنسیت، در عوامل محیطی و درونی نیز جستجو کرد.

واژگان کلیدی: ادبیات تطبیقی، شعر معاصر عربی و فارسی، سبک‌شناسی آماری، معادله بوزیمان، نزار قبانی، سیمین بهبهانی.

۱. پیشگفتار

۱-۱. تعریف موضوع

سبک‌شناسی از جمله علوم ادبی است؛ که در حوزه نقد اهمّیت خاصی دارد؛ و از شیوه‌های مهم در بررسی ویژگی‌های آثار ادبی و همچنین وسیله دست‌یابی به منظور تحلیل و بررسی آثار یک ادیب است؛ در واقع، سبک به روش خاصّ هر شاعر یا نویسنده که برای بیان افکار و احساسات و عواطف خویش برمی‌گزیند، گفته می‌شود که متأثر از عوامل محیطی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و روحی شاعر یا نویسنده است؛ سبک هر شاعر یا نویسنده با سبک دیگری متفاوت است.

از جمله روش‌هایی که برای تشخیص سبک اثر با استفاده از روش کمی و آماری شناخته‌شده، معادله بوزیمان است که به نام دانشمند آلمانی معروف شده است. وی اولین کسی است که این معادله را مطرح کرد؛ آن را روی متون ادبیات آلمانی بررسی کردند و در پژوهش‌هایی در سال ۱۹۲۵ میلادی انتشار دادند. (ر.ک: مصلوح، ۱۹۹۲: ۷۴).

بوزیمان در معادله خود از دو اصطلاح «تعبیر فعلی» و «تعبیر وصفی» استفاده کرده است؛ وی بیان می‌کند که تعبیر فعلی، بر حدوث و وقوع کاری دلالت می‌کند و تعبیر وصفی، شامل کلمات و عبارات‌هایی است که فقط بر صفت و ویژگی‌های یک شیء اشاره می‌کند که این ویژگی‌ها می‌تواند کمی یا کیفی باشد (ر.ک: همان: ۷۴).

معادله بوزیمان، برای تشخیص سبک ادبی از سبک علمی به کار می‌رود و این کار، به وسیله تعیین نسبت فعل به صفت مشخص می‌شود؛ یعنی با شمارش تعداد فعل‌ها و صفت‌ها و سپس از تقسیم فعل به صفت خارج‌قسمتی به دست می‌آید که این خارج‌قسمت نشان‌دهنده تعیین سبک یک اثر است که افزایش یا کاهش این عدد، ملاحظات در پی خواهد داشت؛ یعنی با افزایش نسبت فعل‌ها به صفت‌ها، سبک به ادبیّت نزدیک‌تر است و با کاهش آن، سبک علمی‌تر خواهد بود (ر.ک: همان: ۷۴).

سبک‌شناسی آماری، شاخه‌ای از سبک‌شناسی زبان است که با روش ریاضی و آمار ابزاری، متون ادبی را بررسی می‌کند. سعد مصلوح، زبان‌شناس مصری، نظریه سبک‌شناسی آماری را که بوزیمان ابداع کرده بومی‌سازی نمود و از شاخه‌های نقد جدید برشمرد (ر.ک: همان: ۷۶). در نوشتار پیش رو تلاش می‌شود تا این معادله در مجموعه شعری سیمین بهبهانی و نزارقانی، اجرا و بررسی شود. برای دستیابی به نتایج دقیق و مطمئن، سعی بر آن است تا با شمارش تعداد واژگان در مجموعه‌های هردو شاعر، جامعه آماری دقیقی از آن دو انتخاب شود.

۱-۲. ضرورت، اهمیت و هدف

از آنجا که یکی از معیارهای معادله بوزیمان در میزان ادبی بودن آثار، جنسیت است، بنابراین دو شاعر معاصر از جنسیت مخالف برای پژوهش برگزیده شد تا نتیجه تفاوت جنسیت در این معادله آشکار شود و نیز میزان ادبیت سبک آن‌ها به کمک معیارهای معادله بوزیمان، مانند زبان، سن، جنسیت و... مشخص شود. پژوهش حاضر می‌کوشد تا این اهداف را محقق سازد.

۱-۳. پرسش‌های پژوهش

- سبک کدام شاعر براساس معادله بوزیمان ادبی‌تر است؟
- چه عواملی بر ادبیت سبک دو شاعر تأثیر گذاشته است؟
- کدام یک از قالب‌های شعری، اشعار غنائی و اشعار نو از ادبیت بیشتری برخوردار هستند؟

۱-۴. پیشینه پژوهش

از آنجا که این دو شاعر از شاعران برجسته فارسی و عربی بوده‌اند؛ و با قلمشان نقش زیادی در شعر فارسی و عربی ایفا کرده‌اند. با اطمینان می‌توان گفت که معادله بوزیمان در ایران به‌طور جدی مورد پژوهش و بررسی قرار نگرفته است؛ اما جستار پیش رو از جدیدترین موضوعاتی است که معادله بوزیمان را به‌صورت تطبیقی در شعر عربی و ادبیات فارسی بررسی کرده است. ضمن اینکه تاکنون روی این دو شاعر از این منظر کار نشده بود. در زیر به برخی از پژوهش‌های پرداخته‌شده به این موضوع اشاره می‌شود:

مصلوح (۱۹۹۲) معادله بوزیمان را معرفی و بر نمونه‌هایی از آثار ادبی اجرا کرده است. گفتنی است وی برای اولین بار به مبحث معادله بوزیمان در ادبیات عربی پرداخته است. مصلوح با الهام گرفتن از این معادله در ادبیات آلمانی، آن را بومی‌سازی کرده و در ادبیات عربی به کار گرفته است. الشایب (۱۹۹۱)، یکی از ناقدان و نویسندگان مصری، مجموعه نظرات خود در ارتباط با سبک‌شناسی را آورده است.

امیدوار (۱۳۹۱) به تحلیل سبک‌شناسی آماری پرداخته و در فصل پنجم این رساله، به معادله بوزیمان اشاره کرده است. عبداللهی (۱۳۹۲) انواع سبک‌ها و معادله بوزیمان را بررسی کرده و این معادله را روی شعرهایی از نجیب محفوظ و عبدالرحمن منیف اجرا کرده و نتایج را در قالب جدول‌ها و نمودارهایی بیان کرده است. شیرزادی (۱۳۹۴) به بررسی انواع سبک‌ها و معرفی معادله بوزیمان و اجرای آن روی شعر دو نازک الملائکه و محمد مهدی جواهری پرداخته است.

فلاحی و همکاران (۱۳۹۳) به بررسی سبک‌شناسی آماری و اجرای معادله بوزیمان در مقامات همدانی و یازگی پرداخته‌اند؛ براساس نتایج این پژوهش، سبک همدانی در مقامات، به‌دلایلی از جمله استفاده بیشتر از افعال، در روشن کردن برخی نکات و نیز به دلیل عامل عمر، ادبی‌تر است. صدقی و روستایی (۱۳۹۳) به

بررسی تطبیقی نمونه‌هایی از شعر کلاسیک، آزاد و سپید پرداخته‌اند و نتایج را در قالب جدول‌ها و نمودارهایی ارائه داده‌اند؛ از جمله این نتایج آن است که سبک شعر آزاد به دلیل آنکه شاعر را در حصار قافیه و وزن قرار نمی‌دهد، از دو نوع دیگر ادبی تر است.

با توجه به پیشینه‌ای که گذشت، می‌توان گفت امتیاز برجسته پژوهش حاضر از این جهت است که برای اولین بار به بررسی تطبیقی شعر عربی و فارسی براساس معادله بوزیمان پرداخته که در نوع خود کم نظیر است.

۱-۵. روش پژوهش و چارچوب نظری

با توجه به اینکه روش پژوهش حاضر تحلیلی - آماری با رویکرد سبک‌شناسانه است؛ برای تبیین و تحلیل بیشتر، اطلاعات در جدول‌ها و نمودارهایی عرضه شده و در آخر به تحلیل این اطلاعات به صورت علمی پرداخته شده است.

۲. پردازش تحلیلی موضوع

۲-۱. سبک‌شناسی آماری

سبک‌شناسی آماری، شاخه‌ای از سبک‌شناسی زبان است که بسامد یا به بیان دیگر، آمار وقوع عناصر و طرح‌های سبکی را در متون ادبی بررسی می‌کند. سعد مصلوح، زبان‌شناس مصری، معتقد است که سبک‌شناسی آماری از عالمانه‌ترین و دقیق‌ترین مکاتب نقدی به‌شمار می‌رود (ر.ک: مصلوح، ۱۹۹۲: ۱۸).

سبک‌شناسی آماری، کمک شایانی به روشمندی و علمی شدن پژوهش‌های ادبی کرده است (ر.ک: اناری و امیدوار، ۱۳۹۱: ۱۱). بخش قابل توجهی از بررسی‌های سبک در چارچوب شیوه‌های آماری، منطق، ریاضی و رایانه‌ای صورت می‌گیرد (ر.ک: فتوحی، ۱۳۹۲: ۱۶۷).

درحقیقت می‌توان گفت: به کارگیری سبک‌شناسی آماری در تحلیل و بررسی متون ادبی، گام مهمی در مسیر عقلایی کردن فهم یک متن ادبی و دوری از تمسک به عنصر ذوق در تحلیل آن متن است (ر.ک: صدقی و روستایی، ۱۳۹۳: ۱).

۲-۲. معادله بوزیمان^۱

اساس اولیه پیدایش معادله بوزیمان، مطالعه در قصه‌های کودکان بود؛ وقتی که بوزیمان در حال بررسی نسبت فعل‌ها به صفت‌ها در قصه‌های کودکان بود، متوجه شد که تعداد فعل‌های استفاده‌شده در این قصه‌ها، بیشتر از صفت‌ها است و همچنین متوجه شد که افراد احساساتی و فعال، بیشتر از افراد آرام از فعل‌ها استفاده

می‌کنند؛ و افراد آرام، بیشتر از صفت‌ها استفاده می‌کنند. بررسی‌های بوزیمان در این مطالعات به ابعاد دیگری نیز کشیده شد؛ وی در این مطالعات متوجه شد که افراد در گفت‌وگوهای شفاهی خود بیشتر از فعل‌ها استفاده می‌کنند و بالعکس در نوشته‌های خود، بیشتر از صفت‌ها استفاده می‌کنند و علت آن را این‌گونه تفسیر کرد که چون سرعت نوشتن، کمتر از میانگین سرعت در گفتار است، بنابراین فاصله زمانی بین تدوین کلمات در نوشتن است که باعث می‌شود تصور افکار به کندی صورت گیرد و در این صورت، افراد مجبور می‌شوند که در گفتار خود، بیشتر از صفات بهره‌جویند (ر.ک: مصلوح، ۱۹۹۲: ۷۴).

۲-۱-۲. مراحل اجرای معادله بوزیمان

معادله بوزیمان، معادله‌ای است که برای تعیین سبک علمی از سبک ادبی استفاده می‌شود. برای انجام این کار به روش زیر عمل می‌شود:

- فعل‌ها و صفت‌ها براساس معیارهای معادله بوزیمان شمارش شد.
- مجموع به‌دست آمده از شمارش فعل‌ها بر مجموع به‌دست آمده از صفات تقسیم می‌شود و خارج قسمت به‌دست آمده، تعیین نسبت فعل به صفت است.
- عدد به‌دست آمده از این نسبت هرچقدر بالاتر باشد، سبک اثر از ادبیت بیشتری برخوردار است و هرچقدر این عدد کمتر باشد، به سبک علمی نزدیک‌تر است.

در انگلیسی به‌اختصار آن را "VAR" نام نهادند که از حرف اول کلمات "Verb- Adjective- Ratio" گرفته شده است؛ و در زبان عربی هم سعد مصلوح این‌گونه «ن. ف. ص» قرار داده است که حرف اول، به‌معنای «نسبت»، حرف دوم، به‌معنای «فعل» و حرف سوم، به‌معنای «صفت» است و در ادبیات فارسی نیز می‌توان آن را به‌اختصار «ن. ف. ص» یعنی «نسبت فعل به صفت» بیان کرد؛ که شکل این معادله در زبان

انگلیسی $VAR = \frac{\text{Number of verbs}}{\text{Number of Adjectives}}$ و در زبان فارسی $\frac{\text{تعداد افعال}}{\text{تعداد صفت}} = \text{نسبت فعل به صفت است (ر.ک: مصلوح،$

۱۹۹۲: ۷۶).

۲-۱-۱. شرایط تعیین فعل و صفت در زبان عربی

برای شمارش فعل و صفت به روش زیر عمل می‌شود:

تمامی افعالی که بر حدث و زمان دلالت می‌کنند، جزء شمارش فعل‌ها محسوب می‌شوند؛ بنابراین آن‌دسته از فعل‌هایی که بر حدث دلالت ندارند و تنها بر زمان دلالت دارند، جزء فعل‌ها به‌شمار نمی‌آید، پس موارد زیر از محاسبات خارج می‌شوند:

- فعل ناقصه (کان و اخوات آن)

- فعل شروع و مقاربه (کاد و اخوات آن)
- فعل‌های جامد (نعم و بئس)
- اسم‌فعل‌ها
- البته لازم به ذکر است که افعال ناقصه در صورتی که در معنا و عمل تام باشند، جزء فعل‌های اصلی محسوب می‌شوند، بنابراین جزء محاسبات قرار می‌گیرند؛ و اما صفت‌هایی که در شمارش قرار می‌گیرند شامل:
- تمام صفت‌های مشتق (اسم فاعل، مفعول، صفت مشبیه، اسم تفضیل).
- جامد مؤول به مشتق؛ مانند مصدری که صفت واقع شود.
- اسم موصول بعد از معرفه.
- اسم منسوب.
- اسم اشاره.
- صفت یا صفاتی را که بر صفتی عطف شده است.
- نکته قابل ذکر این است که جملات و شبه‌جملات وصفی که صفت واقع می‌شوند؛ جزء شمارش صفت‌ها قرار نمی‌گیرند (ر.ک: مصلوح، ۱۹۹۲: ۷۷).
- ۲-۱-۲. شاخصه‌های تأثیرگذار در میزان نسبت فعل به صفت**
- در معادلهٔ بوزیمان، شاخصه‌ها و عواملی به کاررفته که افزایش یا کاهش آن‌ها در متن میزان نسبت فعل به صفت را تحت تأثیر قرار می‌دهد که سعد مصلوح این عوامل و شاخصه‌ها را به دو نوع تقسیم می‌کند:
- الف: شاخصه‌های ساختاری:** شاخصه‌ای که به شکل و ساختار اثر ادبی برمی‌گردد؛ که شامل:
- افزایش نسبت فعل به صفت در سخن شفاهی در مقایسه با سخن مکتوب.
- افزایش نسبت فعل به صفت در زبان عامیانه در مقایسه با زبان فصیح.
- افزایش نسبت فعل به صفت در شعر در مقایسه با نثر.
- افزایش نسبت فعل به صفت در اثر ادبی (قصه، قصیده، روایت، نمایش‌نامه) در مقایسه با اثر علمی.
- افزایش نسبت فعل به صفت در نثر ادبی در مقایسه با نثر مطبوعاتی (خبر، مقاله، شرح و تفسیر).
- افزایش نسبت فعل به صفت در قصه‌های جنی و کاهش آن در حکایت‌های مردمی.
- افزایش نسبت فعل به صفت در حکایت‌های مردمی و کاهش آن در قصه و روایت.
- افزایش نسبت فعل به صفت در شعر غنائی و کاهش آن در شعر موضوعی (ر.ک: مصلوح، ۱۹۹۲: ۸۰).
- و از دیگر شاخصه‌های مهمی که در تأثیر نسبت فعل به صفت از آن نام می‌برند عبارت‌اند از:

- گفت و گوی طبیعی یا واقعی.

- حدیث نفس.

- نوشتن روایت و توصیفات خالص.

- سخنان روایی در اجزاء روایی از متن.

مهم ترین شاخصه‌های آماری در نمونه‌های ذکر شده شامل موارد زیر است:

- نسبت فعل به صفت در روایت و توصیفات خالص کمتر از حدیث نفس است و این نسبت در حدیث نفس کمتر از گفت و گوی طبیعی است.

- نسبت فعل به صفت در سخنان پراکنده در اجزاء روایی و بین گفتگوی طبیعی و حدیث نفس برابر است.

- نسبت فعل به صفت در حدیث نفس کمتر از گفتگوی طبیعی است.

- نسبت فعل به صفت در نوشتن روایت و توصیفات خالص فرد معمولی به نسبت یک نویسنده بیشتر است.

ب: شاخصه‌های محتوایی: شاخصه‌ای که افزایش یا کاهش آن مضمون و محتوای اثر ادبی را تحت تأثیر قرار می‌دهد که شامل:

۱- عمر: منحنی عمر ارتباط زیادی در نسبت فعل به صفت دارد. این بدان معناست که در دوران کودکی و جوانی این نسبت افزایش می‌یابد و به مرور زمان در دوران کهنوت کاهش می‌یابد.

۲- جنسیت: میزان نسبت فعل به صفت در نزد زنان بیشتر از مردان است. این فرضیه را می‌توان روی ادبیات زنان و ادبیات مردان به طور جداگانه انجام داد، اما به شرطی که سایر عوامل و شاخصه‌های تأثیرگذار را نیز در نظر گرفت (ر.ک: همان: ۸۱).

۲-۳. معادله بوزیمان در ادبیات فارسی

در پژوهش‌هایی که در ادبیات آلمانی و انگلیسی درباره معادله بوزیمان صورت گرفته است، شرایط خاص و پیچیده‌ای، برای آن در نظر گرفته نشده است؛ یعنی اینکه شرایط خاص و استثنائی ندارد و پژوهشگر می‌تواند در گزینش فعل‌ها و صفت‌ها، تمامی فعل‌ها، به‌جز فعل کمکی و تمامی صفت‌ها که در تعبیر صفت واقع می‌شوند را در آمار خود قرار دهند و این معادله را روی آن اجرا نمایند؛ اما در زبان عربی، شرایط خاص و استثنائی برای فعل و صفت قرار داده می‌شود؛ اما معادله بوزیمان در ادبیات فارسی با توجه به تشابه با قواعد عربی قابل اجراست، ولی از پیچیدگی و استثنائات خاص قواعد عربی به‌دور است و به‌راحتی می‌تواند با گزینش فعل و صفت، معادله بوزیمان را در ادبیات فارسی اجرا و سبک اثر ادبی را مشخص کرد.

۲-۳-۱. شرایط فعل و صفت در زبان فارسی

زمان افعال فارسی و عربی تفاوتی ندارد. زمان افعال هردو زبان که در آمار معادله بوزیمان قرار می‌گیرند به

سه نوع تقسیم می‌شوند؛ این زمان‌ها عبارت‌اند از: ماضی، مضارع، مستقبل. در زبان فارسی نیز مانند مثل زبان عربی، دسته‌ای از فعل‌ها هستند که بر وقوع کاری دلالت نمی‌کنند و جزء فعل‌ها به‌شمار نمی‌روند؛ بنابراین از محاسبات خارج می‌شود؛ که عبارت‌اند از:

افعال اسنادی: افعال اسنادی فعل‌هایی هستند که در ساختمان جمله اسمیه به کار می‌روند و مسند را به مسندالیه (نهاد) نسبت می‌دهند. این فعل‌ها در زبان فارسی نسبت به عربی، شمار کمتری دارند و وظایفی همانند افعال ربطی دارند و عبارت‌اند از: «است، بود، شد، گشت، گردید، ماند (در مفهوم شد)، افتاد (در مفهوم است)، آمد (در مفهوم شد و گشت)»؛ مانند «دوستم بازیکن خوبی است»، «علی از سفر حج بی‌نصیب ماند (شد)». (ر.ک: وفایی، ۱۳۹۱: ۱۳۵). نکته قابل توجه اینکه افعال ربطی فارسی هنگامی اسنادی‌اند که در معنی و کاربرد فعل تام نباشند؛ چنان‌چه «است و بود» به معنی «هست»؛ «گشت و گردید» به معنی «چرخیدن و جستجو کردن» و «شد» به معنی «رفت، افتاد و ماند» باشند، فعل ربطی به‌شمار نمی‌آیند؛ بلکه تام‌اند؛ و در این صورت جزء محاسبات قرار می‌گیرند (ر.ک: همان: ۱۳۸).

صفت در زبان فارسی، کلمه‌ای است که برای مقیدساختن اسم و به‌عبارتی دیگر، برای بیان چگونگی و حالت اسم وضع شده است. صفت را با توجه به جای قرارگرفتنش در جمله می‌توان به دو گروه پیشین و پسین تقسیم کرد. صفت‌های پیشین عبارت‌اند از: صفت اشاره، صفت پرسشی، صفت تعجبی، صفت مبهم، صفت شمارشی اصلی و صفت شمارشی ترتیبی؛ و صفت‌های پسین عبارت‌اند از: صفت شمارشی، ترتیبی نوع دوم و صفت‌های بیانی که همه این صفت‌ها جزء محاسبات قرار می‌گیرند (ر.ک: نجاریان و رستمی، ۱۳۹۲: ۲۹۵).

انواع صفت‌ها که در محاسبات آماری قرار می‌گیرند؛ عبارت‌اند از:

- ۱- صفت مطلق: صفتی که در آخر آن لفظ «تر» یا «ترین» وجود نداشته باشد؛ مانند «نیک» و «بزرگ».
- ۲- صفت فاعلی: صفتی است که موصوف، کننده کار و یا دارنده حالتی است؛ مانند «ستمکار» و «بدهکار».
- ۳- صفت مفعولی یا صفت گذشته: این صفت هم بر مفعولیت و هم بر گذشته، یعنی کاری که در گذشته واقع شده دلالت دارد؛ مانند «بریده» و «آورده».
- ۴- صفت نسبی: مانند «زابلی» و «ایرانی».
- ۵- صفت ترکیبی: صفتی که از دو کلمه ساخته شده باشد؛ به عبارت دیگر، عطف صفت دوم به صفت اول؛ مانند «نیک و بد».
- ۶- صفت تفضیلی: مانند «بهتر»، «عالی‌تر».

۷- صفت عالی: مانند «بهترین».

۸- صفت اشاره: برای اشاره به دور یا نزدیک و به طور معمول، پیش از صفت قرار می گیرد. در زبان عربی مطابق این صفت، اسم اشاره غیر مکانی است؛ مانند «چه گفت آن خداوند تنزیل و وحی».

۹- صفت شمارشی: «آن شش مداد».

۱۰- صفت پرسشی: هرگاه ضمائر پرسشی پیش از اسم بیابند، صفت به شمار می آیند: مانند «هیچ عاقل مهر ورزد با چنین بیگانه‌ای؟»

۱۱- صفت مبهم: صفتی است که نوع، چگونگی، شماره و مقدار موصوف را می‌رساند؛ مانند «به گیتی مدارید چندین امید».

۱۲- صفت تعجبی: مانند:

همه موبدان را ز لشکر بخواند به خوبی چه مایه سخن‌ها براند

۱۳- صفت مبالغه: مانند «ستمکار».

۱۴- صفت لیاقت: صفتی که شایستگی موصوف را می‌رساند؛ مانند

آنچه من خوردم شما را خوردنی است وین چنین شربت جزای هر دنی است

نکته قابل توجه اینکه همان‌طور که در زبان عربی جمله وصفیه از محاسبات خارج می‌شود، در زبان فارسی نیز این جملات از محاسبات خارج می‌شوند (ر.ک: نجاریان و رستمی، ۱۳۹۲: ۲۹۵).

۲-۴. اجرای معادله بوزیمان در مجموعه‌های شعری «قالت لی السّمراء» و «رستاخیز»

در نوشتار پیش رو برای اجرای معادله بوزیمان دو مجموعه شعری «قالت لی السّمراء» از نزار قبانی و «رستاخیز» از سیمین بهبهانی برگزیده شده است؛ در مجموعه‌های شعری انتخاب‌شده، فعل‌ها و صفت‌ها براساس معیارهایی که بیان شده، به طور دقیق گزینش شد و برای رسیدن به نتایج صحیح، واژگان هر دو مجموعه شمرده شد تا جامعه آماری دقیقی ارائه شود و برای تبیین بیشتر، نتایج در قالب جداول و نمودارهایی ارائه می‌شود.

مجال محدود پژوهش حاضر، اجازه بررسی همه اشعار را نمی‌دهد؛ و برای تبیین و توضیح بیشتر به

آوردن نمونه اشعاری از هر دو شاعر بسنده شده است.

الف: نمونه اول: بخشی از قصیده «امام قصرها» از مجموعه «قالت لی السّمراء»:

«أنتِ خبطُ سرابٍ / يموتُ قبل الوصولِ / أنا على الباب... أرجو / انزياحَ سترِ صقيلٍ / يلهو الشتاء بشعري / ومعظفي المبلول.» (بی‌تا:

(ترجمه: تو خط سرابی هستی که پیش از رسیدن، می‌میرد/ من بر آستانه در ایستاده‌ام... در آرزوی کنار رفتن پرده‌ای شفافم/ زمستان گیسوان و بارانی خیس مرا به بازی گرفته است.)

ب: نمونه دوم: بخشی از قصیده «رسالت» از مجموعه «رستاخیز»:

ای خامه‌های لاغر تان، ساقه‌های خشک
بیزار از آفتاب و ملول از هوای خشک
چون خار و خس که مانده ز بستانسرای خشک
بر سنگ راه می‌شکند با صدای خشک

(۴۳۶:۱۳۹۳)

نمونه اول: فعل سه و یک صفت دارد. $3 = \frac{3}{1}$

نمونه دوم: دو فعل و پنج صفت دارد. $0/4 = \frac{2}{5}$

میزان نسبت فعل به صفت در نمونه اول عدد ۳ و در نمونه دوم، عدد ۰/۴ است.

در مرحله بعد، مجموعه شعری «قالت لی السّمراء» و «رستاخیز» در قالب جدول‌هایی که شامل نام قصیده و تعداد فعل‌ها و صفت‌ها و نسبت فعل به صفت در هر قصیده است، مشخص می‌شود:

جدول (۱). اطلاعات وصفی مجموعه «قالت لی السّمراء»

نام قصیده	تعداد فعل	تعداد صفت	ن ف ص
ورقة إلى القاریء	۴۹	۳	۱۶/۳۳
مدغورة الفستان	۳۴		
مکابرة	۴۰		
الموعد الأول	۱۸	۱	۱۸
أکتبی لی	۳۹		
أمام قصرها	۱۶	۷	۲/۲۸
إندفاع	۲۲	۱	۲۲
أنا محرومة	۱۲		
في المقهى	۲۰	۲	۱۰
إسْمِها	۱۵	۶	۲/۵
غرفتها	۲۴	۶	۴
زینة العینین	۳۲	۱۰	۳/۲
حبیبة وشتاء	۳۹	۷	۵/۵۷
مساء	۲۳	۱۷	۱/۳۵
خاتم الخطبة	۳۵	۴	۸/۷۵
تمثونية علی الرصیف	۲۳	۴	۵/۵
إلی مصطافاة	۲۲	۹	۲/۴۴

ادامه جدول (۱). اطلاعات وصفی مجموعه «قالت لی السّماء»

ن ف ص	تعداد صفت	تعداد فعل	نام قصیده
۶/۳۳	۳	۱۹	فم
۲۰	۱	۲۰	أجئک
۲۷	۱	۲۷	مُسافِرة
۴	۴	۱۶	الْقُرْطُ الطویل
۲/۶۶	۶	۱۶	رافعة النهْد
۴/۵	۱۰	۴۵	فهداک
۱/۴۴	۹	۱۳	أفقیقی
۲/۴	۵	۱۲	إلی عَجْوَز
۶	۳	۱۸	إلی زائِرة
۳/۱۶	۶	۱۹	مُدنّسة الحلب
۳/۷۰	۱۷	۶۳	البغیّی

جدول (۲). اطلاعات وصفی مجموعه شعری «رستاخیز»

ن ف ص	تعداد صفت	تعداد فعل	نام قصیده
۵	۲	۱۰	سایه دالان سمنها
۹	۳	۲۷	چشم لعلی رنگ
۳/۵	۲	۷	رگبار بوسه
		۱۷	شهر بند سکوت
۶/۳۳	۳	۱۹	قصه نیلوفر
۱	۸	۸	رسالت
۶	۲	۱۲	آخرین برگ
		۱۳	دنیای کوچک من
۵/۳۳	۳	۱۶	دل همچو آفتاب
۲/۶۶	۳	۸	دیوار کوتاه
۶/۵	۲	۱۳	آسمان خالی ست
۱۷	۱	۱۷	مخمل خاکستر
۱	۵	۵	افیون وعده‌های تهی
۷/۵	۲	۱۵	خون مسموم شقایق
۱	۳	۳	شکوفه نور در آویزه بلور
۶	۲	۱۲	آهوی دست‌هایت
۱	۲	۲	تصویری از «ما»
۲/۷۵	۴	۱۱	شاخه‌های آهکی
۳۸	۱	۳۸	گفت و گو

ادامه جدول (۲). اطلاعات وصفی مجموعه شعری «رستاخیز»

ن ف ص	تعداد صفت	تعداد فعل	نام قصیده
		۱۸	غرور آینه چشم من
۱۳	۱	۱۳	تاول اندیشه
۱۲	۲	۲۴	فراموش نمی کردم
۶	۴	۲۴	زبان اندیشه‌ها
۶/۵	۲	۱۳	تک شاخه‌ها
۴/۷۵	۴	۱۹	بن بست
۳	۲	۶	پایان انتظار
۶/۵	۲	۱۳	مرگ پیش از مرگ
۴	۱	۴	شاید که مسیحاست
۳/۲۵	۴	۱۳	خوابدانه
۲	۴	۸	عطر نرگس‌های چشم
۸	۲	۱۶	قندیل سرخ سیب‌ها
		۱۶	فریاد و کوه
۳/۵	۲	۷	غبار سرب
		۱۱	عایق سربی
۶	۲	۱۲	حصار بلورین
۵/۵	۳	۲۲	روح زمهریری

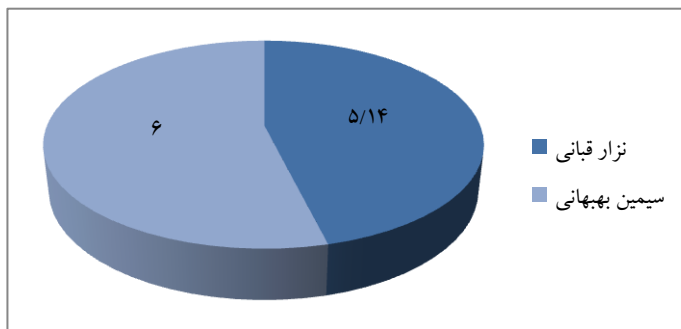
با توجه به اطلاعات ارائه شده، نسبت کلی فعل به صفت در شعر دو شاعر بررسی شده و اطلاعات در قالب جدول ارائه می شود:

جدول (۳). نسبت کلی فعل به صفت در مجموعه «قالت لی السّمراء» و «رستاخیز»

رستاخیز		قالت لی السّمراء	
۴۹۲	مجموع فعل‌ها	۷۳۱	مجموع فعل‌ها
۸۲	مجموع صفت‌ها	۱۴۲	مجموع صفت‌ها
۶	ن ف ص	۵/۱۴	ن ف ص

عدد به دست آمده از نسبت کلی فعل به صفت در قصاید نزار قبانی، بیانگر این است که استفاده وی از فعل در مقایسه با صفت، عددی پنج برابر را نشان می دهد، اما نسبت کلی فعل به صفت، در قصاید سیمین بهبهانی نشان دهنده آن است که میزان استفاده از فعل، شش برابر بیشتر از صفت است. اعداد به دست آمده، نشان می دهد که سبک سیمین بهبهانی در مقایسه با نزار قبانی از ادبیت بیشتری برخوردار است؛ زیرا استفاده فعل به نسبت صفت در اشعار سیمین عددی شش برابر را نشان می دهد، با این وجود،

می توان نتیجه گرفت: سبک سیمین، ادبی تر از سبک نزار است، اما سبک نزار قبانی نیز، سبک ادبی به شمار می رود نه علمی؛ چون میزان استفاده وی از فعل به نسبت صفت، پنج برابر است. اینک برای تبیین بیشتر نتایج در قالب نمودارهایی ارائه می گردد:



نمودار (۱). نسبت فعل به صفت در قصاید نزار قبانی و سیمین بهبهانی



نمودار (۲). نسبت فعل به صفت در قصاید نزار قبانی و سیمین بهبهانی

۲-۴-۱. میانگین نسبت فعل به صفت در شعر دو شاعر

برای به دست آوردن میانگین نسبت فعل به صفت، باید تمام نسبت فعل به صفت با هم جمع شود و حاصل بر تعداد قصاید تقسیم شود، اما از آنجا که تعداد قصاید دو شاعر یکسان نبودند؛ و امکان خطا در نتایج وجود داشت؛ سعی بر آن شد تا با شمارش دقیق کلمات همه قصاید دو شاعر، جامعه آماری دقیق و یکسان باشد؛ تا از صحت و نتایج معادله اطمینان حاصل شود، به همین منظور، معیار برای میانگین نسبت فعل به صفت تعداد کلمات است؛ به دلیل اینکه تعداد کلمات دو شاعر یکسان هستند؛ و احتمال خطا در نتایج از بین می رود.

مجموع نسبت فعل به صفت در «قالت لی السّمراء» (۱۸۳/۱۱) و در رستاخیز (۱۸۶/۵۷) باید بر تعداد

کلمات (۴۲۳۳) تقسیم شود؛ و عدد به دست آمده، میانگین نسبت فعل به صفت را نشان می دهد.

جدول (۴). میانگین نسبت فعل به صفت در «قالت لی السّمراء» و «رستاخیز»

رستاخیز		قالت لی السّمراء	
۲۰۳/۵۷	مجموع ن ف ص	۱۸۳/۱۱	مجموع ن ف ص
۴۲۳۳	تعداد کلمات	۴۲۳۳	تعداد کلمات
۰/۰۴۸	میانگین ن ف ص	۰/۰۴۳	میانگین ن ف ص

۲-۴. میزان گستره در «قالت لی السّمراء» و «رستاخیز»

تفاضل بین بیشترین نسبت فعل به صفت از کمترین میزان نسبت فعل به صفت است؛ که عدد به دست آمده از این تفاضل، میزان گستره را نشان می دهد.

جدول (۵). میزان گستره در «قالت لی السّمراء»

کمترین		بیشترین	
مساء	نام قصیده	مُسافِرة	نام قصیده
۲۳	تعداد فعل	۲۷	تعداد فعل
۱۷	تعداد صفت	۱	تعداد صفت
۱/۳۵	ن ف ص	۲۷	ن ف ص
۲۵/۶۵	میزان گستره به دست آمده		

جدول (۶). میزان گستره در «رستاخیز»

کمترین		بیشترین	
تصویری از «ما»	نام قصیده	گفت و گو	نام قصیده
۲	تعداد فعل	۳۸	تعداد فعل
۲	تعداد صفت	۱	تعداد صفت
۱	ن ف ص	۳۸	ن ف ص
۳۷	میزان گستره به دست آمده		

شایان ذکر است که پایین ترین نسبت فعل به صفت در پنج قصیده ز قصاید سیمین بهبهانی، ۱ است؛ و سعی شد در میزان گستره، در بین قصیده‌ای که میزان نسبت فعل به صفت عدد ۱ است، قصیده‌ای که از لحاظ تعداد فعل و تعداد صفت در پایین ترین درجه قرار دارد؛ و نسبت فعل به صفت آن قصیده عدد ۱ است، مورد توجه قرار گیرد. قصیده «تصویری از ما» که دو فعل و دو صفت دارد، در پایین ترین درجه قرار دارد.

۲-۳. تحلیل نتایج

برای رسیدن به نتایج دقیق و مطمئن، سعی بر آن شد تا جامعه آماری یکسان باشد؛ و به همین منظور، تعداد

واژگان قصاید دو شاعر شمرده شد؛ تعداد کلمات هر شاعر به طور یکسان (۴۲۳۳) است. در پژوهش حاضر، سعی بر آن شد تا به طور علمی و دقیق و با جامعه آماری یکسان، میزان ادبیت سبک دو شاعر با توجه به معیارهای معادله بوزیمان بررسی شود.

با توجه به محاسبات صورت گرفته از نسبت کلی فعل به صفت، میانگین نسبت فعل به صفت، میزان گستره و ارائه اطلاعات روی جداول و نمودارها، نتایج بیانگر آن است که سبک سیمین بهبهانی در مقایسه با نزار قبانی از ادبیت بیشتری برخوردار است؛ و این به دلیل روحیه لطیف زنانگی و احساس عاطفه در وجود زنان است؛ که سبک زنان ادبی تر است؛ و اما این بدین معنا نیست که سبک نزار قبانی، ادبی نباشد، بلکه سبک وی ادبی است، نه علمی...

۲-۴-۱. شاخصه ساختاری^۱ اثرگذار روی معادله بوزیمان

عوامل و شاخصه‌هایی که معادله بوزیمان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، شامل دو مقوله ساختار و محتوا و مضمون^۲ است که هر کدام از این موارد به شاخه‌های مختلفی تقسیم می‌شوند که این شاخه‌ها روی متون نثری قابل اجرا هستند؛ زیرا همان‌طور که بیان شد؛ اساس شکل‌گیری معادله بوزیمان روی متون نثری بوده است.

۲-۴-۱-۱. زبان شعر

زبان شعر از جمله عواملی است که سبک اثر ادبی را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ زبان شعری هر شاعر با شاعر دیگر متفاوت است؛ وقتی زبان شعری شاعری به شعر نو نزدیک‌تر باشد، به طبع از میزان ادبیت کمتری برخوردار است، چون در شعر نو شاعر ملزم به رعایت وزن و قافیه نیست؛ اما در زبان شعری کلاسیک چون شاعر ملزم به رعایت وزن و قافیه و افعیل عروضی است، اثر ادبی به زبان شعر نزدیک‌تر است؛ و نسبت به شعر نو از فضای شاعرانه و میزان ادبیت بیشتری برخوردار است.

قافیه، جزء ذات شعر محسوب نمی‌شود و بر آن عارض می‌شود. در واقع قافیه، بازی با الفاظ است؛ اما وزن، جزء ذات شعر محسوب و مهم‌ترین عامل آن شناخته می‌شود؛ زیرا باعث ایجاد موسیقی شده و شعر بدون موسیقی، در واقع شعر نیست. حتی شعرهای نیمایی هم نوعی وزن و موسیقی در آن‌ها نهفته است.

درواقع، وزن سبب ادبیت شعر می‌شود. هدف شاعر از بیان شعر این است که شعر او در نهایت فصاحت و بلاغت باشد و کارکرد بلاغت در فعل، خلق موسیقی است و موسیقی جز با وزن میسر نیست و برای اینکه شعری در بردارنده موسیقی زیبایی باشد، باید کاربرد افعال زیاد باشد تا شاعر بتواند با به کارگیری هنرمندانه

1. Form

2. Content

افعال، جوّ موسیقایی خوبی بسازد. فعل، مهم‌ترین عامل تصویرساز و معنی‌آفرین است و شعر برای اینکه بتواند تصویر جالبی بسازد تا خواننده را تحت تأثیر قرار داده و او را منفعل سازد، باید کاربرد افعال آن زیاد باشد و به گفته شفیع کدکنی، فعل، نقش به‌سزایی در حرکت و جنبش تصویرها دارد. قافیه نیز در ادبیت متن تأثیر به‌سزایی دارد. قافیه در واقع تکرار صوتی است و برای ایجاد فضای موسیقایی و صوت با فعل هم‌سویی‌ای دارد که در تمام ابیات تکرار می‌شود. بیش از ۹۰٪ قافیه‌ها در اشعار، فعل هستند. حال با توجه به ایجاد فضای موسیقایی با فعل در شعر، کاربرد صفت به‌مراتب در آن کم می‌شود (ر.ک: شفیع کدکنی، ۱۳۹۱: ۴۴۲) و به‌همین دلیل است که سعد مصلوح معتقد است که کاربرد فعل در اشعار بیشتر از صفات است (ر.ک: مصلوح، ۱۹۹۲: ۷۴).

با توجه به اینکه هردو شخصیت در پژوهش حاضر، شاعر هستند و اثر ادبی دو شاعر زبان شعری دارد؛ و فقط میزان ادبیت آن‌ها متفاوت است؛ مجموعه‌های شعری انتخاب‌شده از سیمین بهبهانی از سروده‌های سنتی وی است.

سیمین در مجموعه «رستاخیز»، افاعیل عروضی قدیمی را به کار می‌برد تا جایی که می‌توان ردّپاهایی از وزن‌های شعر حافظ، سعدی و مولانا را در این مجموعه‌ها دنبال کرد (ر.ک: مدرسی و کاظم‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۶۸). در نتیجه، زبان شعری سیمین در این مجموعه شعری، کلاسیک است؛ و همان‌طور که گفته شد، با توجه به اینکه شاعر در شعر کلاسیک ملزم به رعایت افاعیل عروضی و وزن و قافیه است؛ سبک وی را از ادبیت بیشتری برخوردار کرده است؛ با توجه به بررسی‌های انجام گرفته در مجموعه شعری انتخاب‌شده از نزار قبانی، زبان شعری وی در قالب شعر نو است و همان‌طور که بیان شد؛ در شعر نو که شاعر ملزم به رعایت وزن و قافیه و افاعیل عروضی نیست، زبان شعری شاعر به نثر نزدیک است و به‌طبع ادبیت کمتری دارد.

۲-۴-۳-۱. لحن زبان

لحن نیز از جمله عوامل و شاخصه‌هایی است که ادبیت اثر را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ یعنی هرچه عواطف و احساسات بیشتری در کلام شاعر روان باشد، کلمات و جملات نرم و آهنگین می‌شوند که باعث ادبیت بیشتر اثر ادبی می‌شود؛ ولی هرچه شاعر در اشعارش از کلمات و جملات کوبنده و سخت استفاده کند، به‌طبع از ادبیت اثر می‌کاهد. با توجه به اینکه دو شاعر، غزل‌سرا هستند؛ بیان عواطف و احساسات در کلام دو شاعر نیز جاری است. و با توجه به بررسی‌های انجام‌شده در مجموعه‌های شعری انتخاب‌شده از نزار قبانی و سیمین بهبهانی، لحن زبان دو شاعر از لطافت و ملایمت برخوردار است.

۲-۴-۳-۱. بلاغت یا آرایه‌های ادبی

یکی از شگردهای هنری که به زبان ادبی اثر ارزش و اعتبار می‌بخشد، آرایه‌های ادبی است که به‌طور معمول می‌تواند دست‌مایه هر شاعر هنرمندی باشد. هر دو بخش بدیع، هم بدیع لفظی و هم بدیع معنوی که به جنبه موسیقایی و صوتی و معنایی زنجیره‌های پنهان در سخن تعبیر می‌شود (ر.ک: شفیع کدکنی، ۱۳۹۱: ۴۴۲) در آثار شاعران نمود دارد و یکی از تفاوت‌های زبان عادی با زبان ادبی این است که مردم در زبان عادی خود از امثال جناس و سجع و ایهام و مراعات نظیر و... استفاده نمی‌کنند؛ یعنی آرایه‌های ادبی جزء «ذاتیات سبک ادبی» است. (شمیسا، ۱۳۸۶: ۲۶).

شایان ذکر است که تأکید هر شاعر صاحب‌سبک بر آرایه‌ای خاص، یادآور اصل «گزینش» است که نقشی کارسازی در سبک‌شناسی دارد؛ به‌گونه‌ای که سبک‌شناسان، کارایی گزینش را با «انحراف» در سبک‌شناسی زبانی مقایسه می‌کنند (ر.ک: مکاریک، ۱۳۸۴: ۱۸۵). سیمین بهبهانی و نزار قبانی از صنایع بدیع و بیان در اشعارشان بهره گرفته‌اند و هر دو شاعر بیش از هر صنعت دیگری به صنعت تشبیه و تشخیص توسل می‌جویند و این از ویژگی‌های بارز شاعران مکتب رمانتیسم است و دو شاعر به مکتب رمانتیسم گرایش دارند؛ با توجه به بررسی‌های صورت گرفته، نزار قبانی در این زمینه موفق‌تر از سیمین بوده است؛ و این به دلیل مضامین خاص شعر وی و نوع تعابیر و تشبیهاتی است که مختص زبان نزار است؛ این شیوه سبب شده است که زبان شعری نزار، برجسته و هنرش متعالی شود.

۲-۴-۳-۲. شاخصه‌های محتوایی اثرگذار بر معادله بوزیمان

۲-۴-۳-۱. عمر

به‌طور معمول، سبک هر شاعر رابطه تنگاتنگی با سن و عمر وی دارد تا آنجا که می‌توان گفت سن شاعر است که سبک وی را مشخص می‌کند و از دیگر سو، افزایش و کاهش نسبت فعل به صفت، سبک را به سوی ادبی یا علمی بودن سوق می‌دهد (ر.ک: شیرزادی، ۱۳۹۴: ۱۰۲). سعد مصلوح معتقد است که نسبت فعل به صفت در دوران طفولیت و نوجوانی رو به افزایش است و این میزان در دوران کهنولت و پیری کاهش می‌یابد (ر.ک: مصلوح، ۱۹۹۲: ۸۱). سیمین بهبهانی، شاعری را با ورود به دبیرستان در چهارده سالگی و با اقتباس و تقلید از اشعار مادرش شروع کرده است او نخستین شعر خود را در نوجوانی و در روزنامه «نوبهار» منتشر می‌کند که ملک‌الشعراء بهار منتشر می‌کرد و «رستاخیز» در سال ۱۳۵۲، چهارمین مجموعه منتشر شده از ایشان است (ر.ک: ابومحبوب، ۱۳۸۲: ۳۴).

نزار قبانی نیز شاعری را از شانزده سالگی شروع کرده است؛ و در سال ۱۹۴۴ نخستین دفتر شعرش؛ به‌نام «قالت لی السّمراء» را منتشر کرد که سرودن این دفتر شعری در اوایل جوانی وی است (ر.ک: دهقانیان و

ملاحی، ۱۳۹۲: ۹۲)

۲-۳-۴-۲. جنسیت

جنسیت را نیز می‌توان از عوامل مهم اثرگذار بر ادبیت اثر ادبی دانست. به‌طور معمول، با توجه به اینکه زنان به‌دلیل روحیه لطیف، احساسات و عواطف بیشتری نسبت به مردان دارند، میزان ادبیت سبک زن بیشتر است. می‌توان گفت: سبک سیمین بهبهانی به‌دلیل لطافت زنانگی از ادبیت بیشتری برخوردار است و سبک نزار قبانی از ادبیت کمتری برخوردار است.

شایان ذکر است که این نتیجه همیشه صدق نمی‌کند، ولی به‌طور معمول این‌گونه است که سبک زنان به‌دلیل لطافت زنانگی ادبی‌تر است، ولی در پژوهش‌هایی که در این موضوع انجام شده است، ثابت شده که گاهی سبک مرد از سبک زن ادبی‌تر بوده است، برای نمونه، شیرزادی (۱۳۹۴) که سبک ادبیت دو شاعر، محمد مهدی جواهری و نازک الملائکه را بررسی کرده است، به این نتیجه رسیده است که سبک محمد مهدی جواهری ادبیت بیشتری دارد.

۳. نتیجه‌گیری

برآیند کلی پژوهش حاضر نشان می‌دهد که براساس معادله بوزیمان، سبک سیمین بهبهانی از ادبیت بیشتری برخوردار است؛ این نتیجه‌گیری کلی، پس از محاسبه آمارها و تحلیل آن‌ها به‌دست آمده است؛ اما نگاهی جزئی‌تر نشان می‌دهد که نزار قبانی در برخی از شاخصه‌ها بر سیمین بهبهانی مقدم است و در یک مورد با وی برابری می‌کند؛ نتایج پژوهش به شرح زیر است:

- لحن زبان در شعر، رابطه مستقیمی با عاطفه دارد؛ از آنجا که دو شاعر مورد بررسی، غزل‌سرا هستند؛ بنابراین شعرشان از لطافت زبانی برخوردار است.

- با توجه به اینکه دو شاعر از پیروان مکتب رمانتیسیم به‌شمار می‌روند، از صنایع بیان و بدیع در شعرشان بسیار بهره برده‌اند؛ اما زبان شعری خاص قبانی باعث شده است که وی در این زمینه موفق‌تر از بهبهانی عمل نماید؛ به‌همین دلیل، شعر نزار از این منظر، ادبی‌تر محسوب می‌شود؛ همچنین، مجموعه شعری «قالت لی السمراء» بر خلاف رستاخیز در سن جوانی سروده شده است که این امر خود بر ادبیت اثر می‌افزاید؛ اما با وجود موارد یادشده، نتایج کلی مقاله حکایت از ادبیت «رستاخیز» دارد.

- یکی از مهم‌ترین عواملی که باعث شده است تا شعر سیمین، صبغه ادبی بیشتری به خود بگیرد، عامل جنسیت است؛ به‌طور معمول زنان، از فعل بیشتر از صفات استفاده می‌کنند و این امر به‌دلیل روحیه لطیف و عواطف ایشان است.

- اشعار غنائی نسبت به اشعار نو از ادبیت بیشتری برخوردارند و به این دلیل است که در اشعار غنائی، شاعر ملزم به رعایت افعیل عروضی است. با توجه به اینکه مجموعه «رستاخیز»، در قالب شعر غنائی سروده شده است؛ بنابراین

نسبت به مجموعه «قالت لی السمرء» که در قالب شعر نو سروده شده است، ادبیت بیشتری دارد.

۴. پی‌نوشت‌ها

(۱) نزار قبانی در زندگینامه خویش، می‌گوید: در روز ۲۱ مارس ۱۹۲۳ در یکی از خانه‌های قدیمی دمشق متولد شدم؛ زندگی ما زیر سایه فرهنگ فرانسه بود؛ و ما با راسین، مولیر، کورنی، موسه، هوگو، بودلر، پل والر، با زبان اصلی آن‌ها آشنا شدیم و ادبیات فرانسه را از کتاب‌ها و منابع آن‌ها بهره بردیم (ر.ک: ۱۹۷۳: ۲۶). نزار را به‌عنوان «شاعر زن و شراب» می‌شناسند (ر.ک: شفیع کدکنی، ۱۳۵۹: ۱۰۳). ماده اصلی و اساسی شعر نزار «عشق» است؛ زن در زندگی نزار تاریخی جدانشدنی است، نزار معتقد است که زن شعر است و ملحق یا مضاف یا حاشیه‌ای از حاشیه‌های شعر نیست (ر.ک: دیب عواضه، ۲۰۰۶: ۲۱۲). آثار وی عبارت‌اند از: *قالت لی السمرء* (۱۹۴۴)، *طفولة محمد* (۱۹۴۸)، *أنت لی* (۱۹۵۰)، *سامبا* (۱۹۴۹)، *قصاید* (۱۹۵۶)، *حبیبی* (۱۹۶۱)، *الترسم بالكلمات* (۱۹۶۶)، *یومیات امرأة لا مبالیه* (۱۹۶۸)، *قصائد متوخشة* (۱۹۷۰)، *کتاب الحب* (۱۹۷۰)، *۱۰۰ رساله حب* (۱۹۷۰)، *أشعار خارجة علی القانون* (۱۹۷۲)، *أحبک أحبک والبقیة تأتي* (۱۹۷۸)، ... *الأعمال الشعریة الكاملة* (ر.ک: الفاخوری، ۱۹۸۶: ۶۸۷). سرانجام، نزار در اردیبهشت‌ماه ۱۹۹۸، پس از یک دوره بیماری طولانی، در لندن درگذشت (ر.ک: حاجی‌زاده و چالاک، ۱۳۹۱: ۱۳۷).

(۲) سیمین خلیلی [بعدها سیمین بهبهانی و گاه سیمین خلعتبری] به‌سال ۱۳۰۶ خورشیدی در محله همت آباد تهران به‌دنيا آمد (ر.ک: عابدی، ۱۳۷۹: ۱۱). وی هم‌زمان با ورود به دبیرستان، شاعری را با نوشتن سروده‌هایی به تقلید و اقتباس از شعرهای مادر پی‌گرفت (ر.ک: عابدی، ۱۳۷۹: ۱۴). در کنار مسئله‌های مهم فرهنگی و اجتماعی که سیمین در شعرش جلوه داده است؛ «زن» و دغدغه‌های او اهمیت ویژه‌ای یافته است؛ بنابراین می‌توان گفت: یکی از درون‌مایه‌های مهم شعر سیمین، طرح فمینیسم معتدل به‌شکل دفاع از حقوق زن، است (ر.ک: ابراهیمی، ۱۳۹۰: ۷۱). سرانجام، سیمین بهبهانی در ۲۸ مرداد ۱۳۹۳ خورشیدی در ۸۷ سالگی درگذشت (ر.ک: روزنامه شرق، ۱۳۹۳: شماره ۲۰۹۲).

منابع

ابراهیمی، مختار (۱۳۹۰). گرایش فمینیستی در شعر سیمین بهبهانی. *زن و فرهنگ*، ۴ (۱۶)، ۶۹-۸۱.
ابومحسوب، احمد (۱۳۸۲). *گهواره سبز افرا*. چاپ اول، تهران: ثالث.
امیدوار، احمد (۱۳۹۱). *شناخت و نقد آماری سبک استعاره در اشعار دعبل خزاعی، شریف رضی، مهیار دیلمی*. رساله دکتری. تهران: دانشگاه خوارزمی.

اناری، ابراهیم و احمد امیدوار (۱۳۹۱). پژوهشی در تنوع واژگان شعری. *فصلنامه نقد ادبی و سبک‌شناسی*، ۳ (۱۰)، ۵۸-۳۸.

بهبهانی، سیمین (۱۳۹۳). *مجموعه اشعار*. چاپ هفتم، تهران: نگاه.
حاجی‌زاده، مهین و نسرين چالاک (۱۳۹۱). *محاكمه وجدان‌های خفته بشری در اشعار نزار قبانی*. نشریه ادبیات پایداري، ۳ (۶)، ۱۶۲-۱۳۴.
دهقانان، جواد و عایشه ملاحی (۱۳۹۲). «بررسی تطبیقی مضامین عاشقانه در آثار فریدون مشیری و نزار قبانی»، نشریه ادبیات تطبیقی، ۴ (۸)، ۹۰-۱۱۷.

دیب عواضه، رضا (۲۰۰۶). *المرأة فی شعر عمرین ابی ربیعہ عمرین ریشه نزار قبانی*. الطبعة الأولى، بیروت: رشاد برس.

روزنامه شرق (۱۳۹۳). پوریا سوری، شماره ۲۰۹۲.

شایب، احمد (۱۹۹۱). الأسلوب. الطبعة الثامنة، القاهرة: المكتبة المصرية.

شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۱). رستاخیز کلمات. چاپ سوم، تهران: سخن.

----- (۱۳۵۹). شعر معاصر عرب. چاپ اول، تهران: فردوس.

شمیسا، سیروس (۱۳۸۶). نگاهی تازه به بدیع. چاپ دوم، تهران: میترا.

شیرزادی، احد (۱۳۹۴). بررسی ادبیت سبک‌ها براساس معادله بوزیمان در دیوان شظایا و رماد نازک الملائکه و

دیوان محمدمهدی جواهری جلد (۱). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه خوارزمی.

صدقی، حامد و حسین روستایی (۱۳۹۳). قیاس أسلوب الشعر في أنماط الثلاثة: العمودي والشعر الحر وقصيدة النثر، على اساس

معادلة بوزیمان. مجلة الجمعية العلمية الإيرانية للغة العربية وآدابها، (۳۴)، ۱-۱۸.

عابدی، کامیار (۱۳۷۹). ترنم غزل. چاپ اول، تهران: کتاب نادر.

عبداللهی، مهسا (۱۳۹۲). شناخت و مقایسه ادبیت سبک‌ها برپایه معادله بوزیمان در رمان‌های نجیب محفوظ و

عبدالرحمن منیف. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه خوارزمی.

فاخوری، حنا (۱۹۸۶). الجامع فی تاریخ الأدب العربی. الطبعة الأولى، بیروت: دار الجیل.

فتوحی، محمود (۱۳۹۲). سبک‌شناسی. چاپ دوم، تهران: سخن.

فلاحتی، صغری؛ حامد صدقی و اسماعیل اشرف (۱۳۹۳). دراسة أسلوبية لنماذج من مقامات الهمذاني والبازجی في ضوء معادلة

بوزیمان. إضاءات نقدية، (۱۶)، ۱۱۷-۱۳۶.

قبانی، نزار (بی‌تا). الأعمال الشعرية الكاملة. الطبعة الأولى، بیروت: منشورات نزار قبانی.

----- (۱۹۷۳). قصتی مع الشعر. الطبعة الأولى، بیروت: منشورات نزار قبانی.

مدرسی، فاطمه و رقیه کاظم زاده (۱۳۸۸). تصویر و شیوه‌های توصیف در غزل نوبا تکیه بر اشعار سیمین بهبهانی،

حسین منزوی و محمّدعلی بهمنی. ادبیات فارسی، ۵ (۱۴)، ۱۶۴-۱۸۰.

مصلوح، سعد (۱۹۹۲). دراسة لغوية احصائية، الطبعة الثالثة، القاهرة: عالم الكتاب.

مکاریک، ایرنا ریما (۱۳۸۴). دانش‌نامه نظریه‌های ادبی معاصر. ترجمه مهراں مهاجر و محمد نبوی. تهران: آگاہ.

نجاریان، محمدرضا و راضیه رستمی (۱۳۹۲). مقایسه صفت در زبان‌های فارسی و عربی. ادبیات تطبیقی، ۴ (۸)، ۲۹۱-

وفایی، عباسعلی (۱۳۹۱). دستور تطبیقی (عربی-فارسی). چاپ اول، تهران: سخن.



بحوث في الأدب المقارن (الأدبين العربي والفارسي)

جامعة رازي، السّنة التاسعة، العدد ٤ (٣٦)، شتاء ١٤٤١، صص. ١٢٣-١٤٣

قياس الأسلوب الشعري في مجموعتي «قالت لي السّمراء» لنزار قبّاني و«رستاخيز» لسيمين بهبهاني على أساس معادلة بوزيمان

زهرة ناعمي^١

أستاذة مساعدة في قسم اللغة العربيّة وآدابها، كَلّيّة الآداب والعلوم الإنسانيّة، جامعة الخوارزمي، طهران، إيران

ليلا ترابي حور^٢

الماجستيرة في فرع اللّغة العربيّة وآدابها، كَلّيّة الآداب والعلوم الإنسانيّة، جامعة الخوارزمي، طهران، إيران

القبول: ١٤٤١/٥/٢٣

الوصول: ١٤٣٩/٢/١

الملخّص

إنّ الأسلوبية تنقسم إلى الفروع المختلفة وتعدّ الأسلوبية الإحصائية من أهمّ هذه الفروع؛ وهي التي تبيّن أدبيّة العمل الأدبي بلغة الرياضيات والإحصاء. إنّ معادلة بوزيمان من البحوث التي قد اهتمّ بها في مجال الأسلوبية الإحصائية. وهذه المعادلة، معادلة لقياس العاطفة التي تبيّن مدى أدبية الأثر. نزار قبّاني وسيمين بهبهاني من الشعراء المعاصرين في سوريا وإيران وهما اللذان تستهدف هذه الورقة، البحث عن معايير معادلة بوزيمان في أشعارهما في مجموعتي «قالت لي السّمراء» و«رستاخيز»، مبنية على المنهج التحليلي - الإحصائي. إنّ النتائج التي وصلت إليها الباحثتان في هذه الدراسة تبيّن أنّ أسلوب سيمين بهبهاني أكثر أدبيّة من أسلوب نزار قبّاني. وهذا الأمر يعود إلى عامل الجنس أولاً، كما قد أثرت البيئة والعوامل النفسية فيه.

المفردات الرّئيسية: الأدب المقارن، الشّعْر المعاصر العربي والفارسي، الأسلوبية الإحصائية، معادلة بوزيمان، نزار قبّاني، سيمين بهبهاني.